



زندگی انسانی مملو است از قید و بندهایی که دسته ای از آنها بضرورت در طی قرون و اعصار متمادی بصورت اصول ثابت و لایتنغیر در جوامع بشری باقیمانده ، بطوریکه زندگانی انسانی منهای این اصول و قوانین تاسطح زندگانی حیوانی تنزل مینماید و دسته ای دیگر از قیود و الزامات بشری که عبارت از همان رسوم و عادات ملی و اجتماعی خاص هر کشور و منطقه جغرافیائی معین است ، چیزی جز قرارداد های خودساخته و سنتهای متداول بین افراد آن اجتماع بخصوص نیست .

نحوه برگزاری مراسم عزاداری و جشن و شادمانی و همچنین آداب غذا خوردن ، راه رفتن و لباس پوشیدن از جمله عادات و رسومی است که بمرور زمان در یک محیط متداول میگردد . بهر حال قیدهای نوع دوم آنطوری نیست که پذیرش یا رد آنها بسعاد و سلامت اجتماع لطمه وارد سازد و یا مانع پیشرفتها و ترقیات افراد آن جامعه گردد . اما بعکس قیود نوع اول که در حکم زیر بنای اجتماعات و مایه قوام آنها است شامل یک سلسله قواعد و قوانین اخلاقی و اجتماعی است که هر جامعه ترقیخواه و دوستدار سعادت ناگزیر از پذیرش آنهاست . راستگوئی ، امانتداری ، وفای بعهده ، خدمت بخلق ، از جمله قیدهای نوع اول بشمار میروند .

بعنوان نمونه، وفای بعهده‌دار که امروزه متأسفانه در بین مارنگ نا آشنائی بخود گرفته مورد بحث قرار می‌دهیم.

بندرت می‌توان افراد را یافت که برای عهد و پیمان خود ارزش قائل شوند و آنچه می‌گویند جامه عمل بپوشانند. اغلب ما مردم، عادت کرده‌ایم بدون فکر و تعمق بدیگران قول بدهیم و با آنها قرار بگذاریم، در صورتیکه این طرز قول و قرار از نظر اخلاقی و اجتماعی و آثار سوئی که احیاناً بر آن مترتب می‌باشد بسیار ناپسند و نکوهیده است.

وجه بسا موجب بروز کدورتها «بیمهریها و حتی جدائیها در بین افراد گردد.

مثلاً پدریکه بفرزندش وعده می‌دهد فلان چیز را برایت می‌خرم ولی هر بار عذرو بهانه‌ای می‌تراشد و بقول خود عمل نمی‌کند با این عهد شکنی و خلف وعده اولاً بروحیه و احساسات طفل ضربه وارد ساخته و روان او را غمگین و افسرده مینماید و ثانیاً حس بی‌علاقگی و اهمیت ندادن بکفتار پدر را در وجودی بر میانگیزد و در ضمن فرزند از مربی خود درس بی‌وفایی و پیمان شکنی را عملاً می‌آموزد و در آینده بدیگران تحویل می‌دهد.

خود ما نسبت بقرارها و پیمانهای که با همکاران و دوستان خود میندیم تاکنون چقدر بی‌توجهی و سهل‌انگاری نموده ایم، تاچه اندازه موجبات رنجش و بدبینی آنها را نسبت بخود فراهم کرده ایم.

و این امر از آنجهت مایه تأسف و تأثر است که صفت ناپسند عهد شکنی و خلف وعده در میان افراد مسلمان رایج گشته، یعنی همانهایی که اگر از ایشان بپرسند دین شما چیست؟ می‌گویند اسلام و بپرسند بکدام کتاب و قانون پای بندهستید؟ در جواب خواهند گفت قرآن. آخر کجای قرآن شکستن عهد را جایز شمرده؟ مگر در همین کتاب آسمانی نمی‌خوانیم **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ**. (ای کسانی که ایمان آورده اید به پیمانهای خود وفا کنید.)

قَدْ اَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ (آیات ۱ و ۷ سوره مؤمنون)

باین آیات عمل نمیکنیم؟ مگر ما مؤمن نیستیم؟ مگر اجتماع ما خواهان سعادت و کامیابی نیست؟ اینجا است که باید در ایمان خود تجدید نظر کنیم. عهد شکنی که با ایمان جور در نمیآید. پیغمبر اکرم بارها فرمود: **لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَأَعْهَدَهُ** (ایمان ندارد کسی که عهد و پیمان ندارد). اکنون اگر آمار دقیق از افراد خوش قول و بدقول تهیه کنند «آنگاه معلوم میشود که بیش از هشتاد درصد از مارعايت عهد و پیمان را نمیکنیم و به قول شاعر

گر حکم شود که مست گیرند در شهر هر آنکه هست گیرند

با دوست خود قرار میگذاریم مثلاً رأس ساعت چهار یکدیگر را در فلان محل ملاقات کنیم، اغلب تأخیر ورود در ساعت معین یا از طرف ما است و یا از طرف رفیقمان و یا از جانب هردو، و بعد هم با جملات آقا ببخشید دیر شد. فلانجا گیر کردم، از حضورتان شرمند شدم، همدیگر را قانع میکنیم.

میگویند پیغمبر (ص) بایک مرد یهودی در محلی وعده ملاقات گذاشتند، رسول اکرم (ص) بموقع خود را بوعده گاه رسانید اما از یهودی خبری نبود، ساعتها گذشت، و پیامبر (ص) همچنان در انتظار او نشست «بعضی ها گفته اند چون وقت نماز فرا رسید آنحضرت در همانجا اقامه نماز فرمود، سرانجام آن مرد یهودی بیادش آمد که با پیغمبر وعده ملاقات گذاشته، بعجله خود را بان حضرت رسانید و هنگامیکه با چهره بازو لبهای متبسم پیامبر روبرو شد گفت ای محمد من فکر میکردم که تو دیگر رفته‌ای و هرگز تصور نمیکردم ساعتها در این مکان با انتظار من بمانی. تاریخ مینویسد همین رفتار پیامبر باعث شد که آن مرد یهودی کلمات مقدس **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ** را بر زبان جاری نماید و مسلمان گردد.

بهر حال باید بجزبان اشتباهات گذشته همه ما از هم اکنون تصمیم بگیریم که برای عهد و پیمان خود احترام و ارزش و شخصیت قائل شویم. و بدون مطالعه و در نظر گرفتن امکانات به هیچکس وعده ندهیم و در آن هنگام که باشخصی پیمان بستیم تا سر حد امکان خود را مسئول و مقید با اجرای آن بدانیم.

و راستی چقدر لذت بخش است آن نگاه که مشاهده کنیم تمام مردم قول و قرارهای یکدیگر را همچون سندی محکم بپذیرند . و این منتهای آرزوی ما است ..
 اکنون همانطور که در شماره های قبل متذکر شدید جدولی مطابق نمونه داده شده تهیه نموده و پس از مطالعه (شرح جدول) به تکمیل آن اقدام فرمائید .

(شرح جدول)

جدول نمونه شامل هفت ستون است که ذیلاً بشرح آن میپردازیم .
 الف - ستون اول مخصوص تاریخ ایام است .

ب - ستون دوم مربوط بقرائت قرآن (باتوجه کامل بمعانی آیات) در هر صبحگاه است . یعنی شما باید در هر صبح متناسب با فرصتی که دارید مقداری از آیات قرآن مجید را تلاوت نموده و در پیرامون آن بیاندیشید و بتفکر پردازید . روزیکه قرآن خواندهاید در مقابل تاریخ مربوطه و درستون قرآن علامت (+) و روزیکه بععلی بقرائت قرآن مبادرت ننموده اید علامت (-) قرار دهید .
 ج - ستون سوم که خود از سه ستون فرعی تشکیل یافته مربوط بنماز است . شما باید سعی بفرمائید حتی الامکان نماز های شبانه روزی را در اول وقت بجای آورید . برای هر نماز که در اول وقت بجای آورده شود درستون مربوطه علامت (+) و اگر در اثر اهمال اقامه نماز از اول وقت بتأخیر افتد علامت (-) را درستون مربوط بهر نماز قرار دهید .

دقت بفرمائید تا جائیکه برایتان مقدور است و عذر شرعی قابل پذیرش ندارید نماز های یومیه را در مسجد و بیجماعت بجای آورید ، در اینصورت چون نماز در اول وقت و بیجماعت برگزار شده درستون مربوط بهر نماز علامت(++) را قرار دهید

د - ستون چهارم مخصوص گره کشائی از مشکلات ممنوعان بخصوص برادران و خواهران مسلمان است . باید بخاطر داشته باشید که در طول روز ، چند عمل خیر و مفید (بهر ترتیب که مقدور تان است) بازبان ، مال ، قلم ، دست و غیره) در باره دیگران انجام داده اید و چند مانع و دشواری باکمک و همت بلند شما از پیش پای انسانهای درمانده و پریشان برداشته شده ، تعداد آنها

را با ذکر شماره در این ستون مرقوم فرمائید .

۵ - ستون پنجم مربوط به دروغ است در این ستون تعداد دروغهایی را که در طول روز بیان داشته ایداعم از شوخی یا جدی با ذکر شماره بنویسید .

۶ - ستون ششم در خصوص وفای بعهده است در این ستون نیز تعداد وعده خلافیهائی که در طی روز انجام داده اید با ذکر شماره یادداشت نمائید .

جدولی که توصیف شد، نموداری از فعالیت های پانزده روز شماست . در پایان این مدت ، برای بدست آوردن نتیجه کار تعداد (+) و (-) مربوط به ستون و همچنین تعداد (++) مربوط به نماز بجماعت خوانده شده و نیز مجموع اعداد ستونهای چهارم و پنجم و ششم را در زیر هر ستون مربوط بخود یادداشت نمائید و سعی فرمائید در پانزده روز بعد که جدول جدیدی تنظیم خواهید نمود از تعداد علامتهای (-) و شماره های ستونهای پنجم و ششم کاسته و بتعداد (+) و «++» و نیز ارقام ستون چهارم بیافزائید .

در اینجا لازم بتذکر است که در شماره های بعد این نشریه نیز بنخواست پروردگار هر بار يك دستورالعمل زنده اخلاقی و اجتماعی اسلامی را برای شما خواننده ارجمند و خیر اندیش عنوان خواهیم نمود .

تاریخ	قرآن	ص-ظ-ع-م-ع-	نماز	کمک بمستمندان	دروغ	ملاحظات